پژوهشنامه خراسان بزرگ

شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۸

No.35 Summer 2019

۵۶-۳۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

نقش کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان بر اوضاع اقتصادی-اجتماعی مشهد (۱۳۱۶-۱۳۵۰ش)

➢ **شهناز حطیط:** دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه آزاد واحد نجف آباد

➢ **علیرضا ابطحی:** استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد (abtahi1342@yahoo.com)

➢ **مرتضی نورائی:** استاد تاریخ دانشگاه اصفهان (mortezanouraei@yahoo.com)

➢ **ابولفضل حسن آبادی:** مدیریت اسناد آستان قدس رضوی (ahassanabady1@yahoo.com)

چکیده

مشهد از اواسط دوره قاجار بستر مناسبی جهت توسعه صنعت نساجی بود. در دوره پهلوی اول پس از اصلاحات زیربنایی و توسعه صنایع نوین، در ۱۳۱۶ش اولین و بزرگ‌ترین کارخانه نخریسی در شرق ایران با عنوان شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان در مشهد راه‌اندازی شد. تأسیس و گسترش کارخانه نخریسی در عصر پهلوی، مشهد را به‌عنوان یکی از قطب‌های نساجی مطرح کرد، به‌طوری‌که نقش مؤثری در خودکفایی نساجی ایران دهه ۵۰ داشت. وجود این کارخانه به‌عنوان نماد هویت‌بخش جامعه کارگری مشهد علاوه بر اشتغال‌زایی هزار نفر کارگر که به‌طور مستقیم در کارخانه مشغول به‌کار بودند، اثرات اجتماعی زیادی بر مسائل کارگری در زمینه سوادآموزی و آموزش‌های تخصصی بر جای نهاد و از سویی محلات کارگری از قِبل کارخانه نخریسی در مشهد شکل گرفتند. این کارخانه در دوران تأسیس و شکوفایی با چالش‌هایی ازجمله بحران‌های اقتصادی و تأثیرپذیری از تنش‌های سیاسی مواجه بود. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت تأسیس کارخانه چه دستاورد و تأثیری بر وضعیت اقتصادی-اجتماعی مشهد داشت؟ در این پژوهش تلاش می‌شود به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه‌بر اسناد، این صنعت محلی و آثار اقتصادی-اجتماعی آن در مشهد مورد ارزیابی قرار گیرد. یافته‌ها حاکی از آن است که انتخاب این ناحیه برای تأسیس کارخانه نساجی موجب شد تا مشهد به‌عنوان یکی از قطب‌های نساجی ایران در عصر پهلوی، سهم مؤثری در سیاست‌های صنعتی و اشتغال‌زایی و خودکفایی اقتصادی مشهد داشته باشد.

واژگان کلیدی: مشهد، اوضاع اقتصادی-اجتماعی، کارخانه نخریسی و نساجی، صنعت نساجی، دوره پهلوی

Abstract

Mashhad has been a good platform for the development of the textile industry since the mid-Qajar period. In 1937, in the first Pahlavi period after modernization and basic developments, the first and the largest spinning factory in eastern Iran was launched in Mashhad, named Khosravi Khorasan Textile and Spinning Company. The establishment and expansion of the spinning factory in the Pahlavi era made Mashhad as one of the textile poles which had an effective role in the textile self-sufficiency of Iran in the 1980s. The existence of this factory, as a symbol of the identity of the Mashhad working-class community, not only directly employed thousands of workers at the factory, but also had many social effects on labor issues such as their literacy and specialized training. Moreover, some workers' neighborhoods were formed because of the spinning factory in Mashhad. The factory was faced with challenges such as economic crises and the impact of political tensions during its establishment and development period. So, the raising question is that, how did the establishment of the factory affect the economic and social situation of Mashhad? This study tries to do a document based evaluation of this local industry and its socio-economic impacts on Mashhad through a descriptive-analytical method. The findings indicate that the selection of this area for the establishment of the textile factory led Mashhad to have an effective role in industrial and employment policies and economic self-sufficiency of Mashhad as one of the Iranian textile poles in the Pahlavi era.

Keywords: Mashhad, socioeconomic situation, Textile and Spinning Factory, Spinning industry, Pahlavi era

*نویسنده مسئول مکاتبات: علیرضا ابطحی (۰۹۱۳۰۱۳۳۵۲۶) (abtahi1342@yahoo.com)

مقدمه

سقوط سلسله قاجار و روی کار آمدن حکومتی متمرکز، فصلی متفاوت را در تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران رقم زد. اقتصاد ایران تقریباً تا اوایل دوره پهلوی سنتی و متکی بر تولید کشاورزی، آن‌هم به شیوه سنتی بود. صنایع ایران نیز پیرو روش‌های قدیمی و تولیدات صنعتی (دستی) بیشتر در زمینه تولید منسوجات بود که تفاوت چندانی با شیوه‌های دوره‌های پیشین نداشت. در نقاط مختلف ایران ازجمله خراسان تولید انواع پارچه به شکل دستبافت رواج داشت. بنابراین در دوره پهلوی اول نوگرایی در عرصه صنعت به‌عنوان یک هدف مطرح و تلاش شد تا برخی شهرها با رویکرد به صنایع مادر به‌سوی صنعتی شدن سوق داده شوند. با ورود صنایع نوین تغییرات زیادی در ساختار اقتصادی شهرها به وجود آمد این سیاست اقتصادی پاسخی به نوسازی اقتصادی در عصر پهلوی و زمینه‌ساز تأسیس کارخانه‌هایی در نقاط مختلف، ازجمله مشهد بود. پژوهش حاضر بر این فرضیه کلی استوار است که تأسیس کارخانه نخریسی به‌عنوان نیروی محرکه اقتصادی و یک واحد صنعتی زمینه‌های پیشرفت و توسعهٔ شهر مشهد را فراهم نمود.

پیشینه پژوهش

باوجود انجام تحقیقاتی همچون پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی *شرکت سهامی نخریسی و نساجی و برق خسروی* از محمدعلی خوانیکی، *تاریخ نساجی و نخریسی مشهد* از محمد صادقیان انجام شده است. این پژوهش‌ها باوجود تمرکز بر موضوع کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان در حوزه جغرافیا بوده و فقط تصویری از وضعیت کارخانه در طی سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۵۱ش ارائه داده‌اند. همچنین در این پژوهش‌ها به زمینه‌های ایجاد و رشد کارخانه و تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و ظهور قشر کارگر به‌عنوان کُنِش‌گرانِ سیاسی شهر پرداخته نشده است و از دید اطلاعات آماری و به روش میدانی کارخانه نخریسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین تاکنون با تکیه‌بر منابع و اسناد به‌ویژه اسناد مربوط به کارخانه نخریسی و نساجی خسروی که در مراکز اسنادی همچون مرکز اسناد آستان قدس رضوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد مجلس شورای اسلامی، اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی سیاسی وزارت امور خارجه و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، عوامل مؤثر در رشد صنعت نساجی مشهد و تأثیر آن بر تحولات شهری مورد توجه قرار نگرفته است.

روش پژوهش

در این مقاله تلاش می‌گردد به روش تاریخی و شیوه توصیفی-تحلیلی با بررسی اسناد منتشر نشده موجود در آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی شامل اسناد سیاسی، اسناد اقتصادی در حوزه حقوق، ساختار تولید، بازار فروش، سرمایه و سرمایه‌گذاری، ماشین‌آلات صنعتی و اسناد اجتماعی شامل نیروی انسانی، سهامداران، امکانات رفاهی و رابطه متقابل شهر و کارخانه و شکل‌گیری محلات و کوی کارگران تشریح شود و تأثیر حضور و وجود کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان به‌عنوان نماد همزیستی ادیان و اقوام و بزرگ‌ترین مرکز اقتصادی و کارگری مشهد در عصر پهلوی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

تأسیس کارخانه و صنعتی شدن نساجی مشهد

در اوایل حکومت رضاشاه «وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه» در سال ۱۳۰۵ش، اعلانی را منتشر کرد که در آن ضمن اشاره به ظرفیت‌های کشف نشده اقتصادی در ایران، بی‌توجهی و غفلت عمومی از آن ظرفیت‌ها را عامل راکد ماندن آن ذکر کرد، اینک که «امنیت کامل» حکم‌فرما گردیده و ذات‌شاهانه توجه خاصی نسبت به پیشرفت امور اقتصادی ایران دارند. از این جهت وزارت مذکور «سرمایه‌داران داخلی و خارجی را دعوت می‌نماید که هر نوع پیشنهادهای مفیدی چه در زمینه استخراج معادن و چه در زمینه‌های دیگر اقتصادی دارند به این وزارت‌خانه ارسال دارند» تصویر (۱).

تصویر ۱: اعلان وزارت فلاحت و تجارت عامه (اطلاعات، ش ۱۰۱(۱۳۰۵): ۱)

دولت هم سعی کرد با سیاست‌های قانونی و تشویقی، تجار و سرمایه‌داران را به‌سوی برپایی کارخانه‌های صنعتی سوق دهد. در راستای این سیاست، قانون استعمال البسه وطنی که مشتمل بر ۴ ماده بود در ۲۹ بهمن ۱۳۰۱، در مجلس چهارم تصویب شد و به‌موجب ماده یک آن «دولت مکلف بود کلیه لباس‌هایی که برای مستخدمین لشکری و کشوری تهیه می‌نماید از مصنوعات و منسوجات ایران باشد» (مُتما: شماره:۱/پ-۶۷۱۸). ازجمله اقدامات دیگر، تصویب قانون متحدالشکل کردن لباس در دوره هفتم مجلس شورای ملی بود. این قانون که در چهار ماده و هشت تبصره در دی‌ماه ۱۳۰۷ش به تصویب رسید و طی آن مقرر شد «کلیه اتباع ذکور ایران که به‌موجب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص نیستند در مداخله مملکت مکلف هستند که ملبس به لباس متحدالشکل بشوند» به دنبال تصویب قانون یکسان‌سازی لباس در تاریخ ۱۳۰۸/۱۲/۲۷ ش مرقومه‌ای از سوی ریاست وزراء به وزارت مالیه ارسال شد بدین مضمون: «برحسب امر مقدس ملوکانه ارواحنا فدا تأکید می‌شود که عموم مستخدمین باید در سال نو لباس از پارچه‌های ایرانی تدارک کنند. در مدارس شاگردان هم باید به همین ترتیب از پارچه‌های وطنی لباس داشته باشند» (ساکما: ۲۴۰/۰۸۴۵۷۱/۲). این قانون و دستور بعدی، زمینه را برای تولیدکننده داخلی ایجاد نمود تا محصولات خود را بهتر بفروشد و بر بازار مصرف کننده حساب نماید؛ اما چیزی که تجار داخلی را به سمت وارد کردن کارخانه‌های تولیدی کشاند، تصویب قانونی با عنوان «قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی» در ۶ اسفند ۱۳۰۹ ش. بود که ورود برخی از کالاهای خارجی، ازجمله پارچه‌های پشمی که در داخل ایران تولید می‌شد را ممنوع کرد (اتاق تجارت، ش ۹۸(۱۳۱۳): ۲۰،۱۴). حدود ۱۰ ماه از اجرای قانون انحصار تجارت خارجی نگذشته بود که درخواست‌های زیادی برای وارد کردن ماشین‌آلات و تأسیس کارخانه‌هایی ازجمله کارخانه‌های نخریسی در کرمان، یزد، مشهد و غیره به اداره تجارت واصل شد (اتاق تجارت، ش ۳۰(۱۳۱۰): ۱۳). دولت با بالا بردن تعرفه‌ها، ایجاد انحصارات حکومتی، تأمین مالی کارخانه‌های نوین از طریق وزارت صنایع و وام‌های کم‌بهره به کارخانه‌داران از طریق بانک ملی، سرمایه‌گذارهای صنعتی را تشویق کرد

(آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۱۸۲). همین سیاست‌ها موجب تأسیس کارخانه‌های متعددی باهدف کمک به صادرات و جایگزینی کالاهای وارداتی در ایران شد (فلور، ۱۳۷۹: ۹). در دوره پهلوی اول کارخانه‌ها از نظر جغرافیایی عمدتاً در شهرها و استان‌هایی تأسیس گردیدند که از پیشینه صنعت نساجی در تاریخ ایران برخوردار بودند. مشهد از دوره صفویه از نظر رونق نساجی در زمره مهم‌ترین شهرهای ایران محسوب می‌شد. در دوره قاجاریه نساجی سنتی تحت عنوان کارگاه‌های «شعربافی» در مشهد در زمره یک شغل اصیل و سنتی، رونق و همچنین یک بافت جمعیتی به نام شعربافت وجود داشت. طبق آماری که در کتاب نفوس ارض اقدس ذکر شده در سال ۱۲۵۷ش «۱۳۷» کارگاه در مشهد با جمعیت «۵۷۲۸۷» دایر و مردم به این کار مشغول بودند جدول (۱).

جدول ۱: پراکندگی کارگاه‌ها به تفکیک محلات (میرزای قاجار، ۱۳۸۲: ۷۷-۶۷)

محلات	کارگاه شعربافی و شال‌بافی
سرشور	۲۸
سراب	۱۲
عیدگاه	۲۸
پایین خیابان	۵۶
نوغان	۱۳

نساجان پارچه‌های بافت شده را به شهر عشق‌آباد صادر می‌کردند و پارچه‌های پشمی بافت مشهد دو نوع بود. نوع اول را هفت‌رنگ که با موی بز یا پشم میش بافته می‌شد و نوع دوم را اسلامبولی می‌نامیدند، چون برای مصرف لباس به اسلامبول صادر می‌گردید. رنگ این پارچه‌ها متناسب باسلیقه‌ی اروپائیان بود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۴۰). اما آنچه مشهد را به‌سوی صنعتی شدن نساجی کشاند فراهم بودن مواد اولیه و مورد نیاز صنعت نساجی همچون پنبه، نساجی مشهد را می‌توانست به‌عنوان صنعتی خودکفا مطرح کند. پنبه تولیدی در مشهد، پیش از تأسیس کارخانه نخریسی خسروی، به روسیه صادر می‌گشت (ساکماق:۱/۶۷۵۷۳). اما عوامل سوق یافتن مشهد به کانون نساجی نوین و صنعتی عبارت بود از: ۱. حاصل خیزی خاک مشهد برای زراعت پنبه «بذر آمریکایی»، ۲. وجود نیروی کار فراوان و ارزان‌قیمت، ۳. بازار خوب و پرفروش برای نخ و پارچه در مشهد و خراسان (ساکماق: ۱۵۴-۹۷۲۸۹/۱۴۲)، ۴. حمل راحت ماشین‌آلات به دلیل نزدیکی راه و ارزانی کرایه از طریق روسیه و انتقال آن‌ها از مرز باجگیران (ساکماق: ۱۳۷۷۸۷/۱۱۲).

عوامل فوق موجب شد تا نساجی سنتی مشهد برای ورود به دنیای ماشینی و صنعتی شدن در دوره پهلوی اول آماده شود. ازجمله مقدمات تشکیل کارخانه نخریسی و نساجی خسروی، تأسیس کارخانه کش‌بافی و جوراب‌بافی در سال ۱۳۱۲ش (پیرا، ۱۳۷۹: ۱۹۷)، کارخانه نخریسی هاروطونیان در سال ۱۳۱۲ش (اتاق تجارت، ش ۱۳۴(۱۳۱۵): ۱۶) که موجب تحولی نوین در تولید ریسندگی و نساجی در مشهد شد و زمینه تأسیس بزرگ‌ترین واحد ریسندگی و بافندگی با عنوان «کارخانه نخریسی و نساجی خسروی» در خراسان را فراهم کرد که هدف از تأسیس آن «کمک به ایجاد توازن در واردات و صادرات مملکت و توسعه صنایع داخلی و پیشرفت صنایع و رفع احتیاجات اهالی» تعریف شده است (ساکماق: ۹۷۲۸۹/۱۰۳). زمزمه تأسیس این کارخانه به تیر ماه ۱۳۱۰ش برمی‌گردد طی نامه‌ای که از سوی وزیر دربار «تیمورتاش» به اسدی نیابت تولیت آستان قدس رسید «نیابت محترم تولیت عظمی-حسب‌الامر مبارک باید کارخانه نخریسی و پارچه‌بافی در مشهد دایر شود» (ساکماق:۹۷۲۸۹/۷۸). نحوه تأمین سرمایه اولیه کارخانه در تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۱۰ به این شرح بود: «۵۰ هزار تومان از طرف رضاشاه و از محل حق التولیه/ ۵۰ هزار تومان از طرف آستان قدس رضوی/ ۱۰۰ هزار تومان از طرف بانک ملی و مؤسسات آلمانی/ ۳۰ هزار تومان از طرف تیمور تاش/ ۲۵۰ هزار تومان از طرف تجار و متفرقه از مشهد» (ساکماق: ۹۷۲۸۹/۷۸).

این مبالغ را نباید تنها منبع تأمین سرمایه کارخانه به‌حساب آورد. زیرا به‌کرات با فروش سهام بیشتر، کارخانه بر میزان سرمایه اولیه و دامنه فعالیت خویش می‌افزود. به‌گونه‌ای که در اولین مجمع عمومی کارخانه نخریسی در سال ۱۳۱۳ش در منزل محمدولی خان اسدی تشکیل گردید. ۲۷ نفر، جمعاً صاحب ۱۱۷۱۶ سهم به مبلغ ۵۸۵۸۰۰۰ ریال، حضور داشتند و شش نفر، صاحب ۲۸۴ سهم به مبلغ ۱۴۲۰۰ ریال غائب بودند (ساکماق: ۱۳۷۵۰۹/۱). به‌مرور زمان ترکیب سهامداران تغییرات گسترده‌ای یافت به‌طوری‌که در مجمع عمومی سال ۱۳۱۸ش تعداد سهامداران ۱۶۸ نفر، شامل سهامداران زردشتی، مسیحی، کلیمی و پارسیان هند بودند اعلام شد. آستان قدس رضوی نیز در اولین مجمع عمومی کارخانه صاحب ۲۰۰ سهم (ساکماق: ۱۳۷۵۰۹/۱) و در سال ۱۳۲۶ش مالک ۴۰ هزار سهم از سهام کارخانه به ارزش دو میلیون تومان می‌شود (ساکماق: ۱۱۹۹۱/۸). به‌طوری‌که در سال ۱۳۴۹ش مالک ۳۵ درصد از سهام کارخانه که در حدود ۳۴۰۰۰/۰۰۰ ریال سود داشت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سهامداران محسوب شد (ساکماق: ۱۵۹۶۵۰/۱۷). نوع سهامی که به سهامداران واگذار می‌شد به دو صورت سهام عادی و سهام ممتاز بود. کارخانه نخریسی در تاریخ ۱۴ اسفند ماه ۱۳۱۳ در مشهد تحت شماره ۳۸ و برای مدت پنجاه سال شمسی به ثبت رسید (ساکماق: ۱۳۷۵۰۸/۱). محمدولی خان اسدی به‌عنوان اولین رئیس هیئت‌مدیره و نبویان، نصیر زاده، حسام‌الدین خان انصاری، هرمز فرامرز کمیساریات، رستم مسافی و مروان ایرانی به‌عنوان اعضای هیئت‌مدیره انتخاب شدند (ساکماق: ۱۳۷۵۵۲/۲۵).

روزنامه آفتاب شرق نیز با پیگیری تأسیس کارخانه در مهرماه ۱۳۱۴ ش نوشته است: «سلمان اسدی، عضو هیئت بانک فلاحت، به‌اتفاق سه نفر از نمایندگان کارخانه‌های خارجی، وارد مشهد شده‌اند تا در تهیه لوازم کارخانه نخریسی مشهد اقداماتی بنمایند» (آفتاب شرق، ش ۱۹(۱۳۱۴): ۱). پس از ورود نمایندگان کمپانی‌ها به مشهد بالاخره تصمیم گرفتند ماشین‌آلات نخریسی به مبلغ سه میلیون ریال از کمپانی پلات انگلستان، ماشین‌آلات نساجی به مبلغ یک‌میلیون و دویست هزار ریال از کمپانی یونین ماتکس، توربین بخار و لوازم برقی از کمپانی آ.ا.ک و زیمنس آلمان به مبلغ ششصد و پنجاه هزار ریال، دیگ‌های بخار را از هرمز فرامرزکمیساریات، نماینده پارسیان هندوستان به مبلغ یک‌میلیون ریال خریداری شود (ساکماق: ۱۳۷۵۲۸/۴۵). بدین ترتیب اولین سنگ بنای ساختمان کارخانه نخریسی و نساجی خسروی در ۱۴ مرداد ۱۳۱۴ جنب کارخانه چرم‌سازی گیلاس پی‌ریزی شد (آزادی، ش۹۸(۱۳۱۴): ۱). مدتی بعد کلیه ماشین‌های سفارش داده شده از شرکت‌های مختلف اروپایی توسط اداره ایران سوترانس اندک‌اندک از راه روسیه و از مرز باجگیران وارد ایران شده و در کارخانه نصب گردید (ساکماق: ۱۳۷۵۸۵/۲۳).

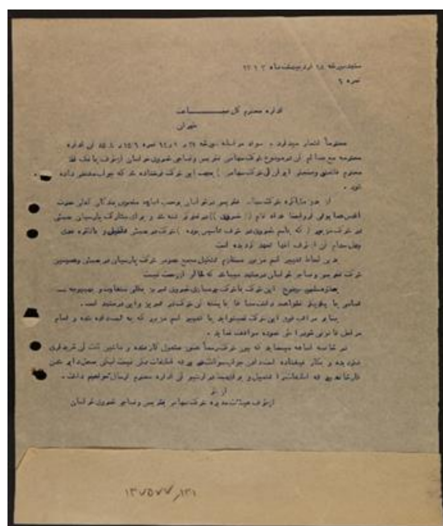
قسمت‌های مختلف کارخانه عبارت بود از: حلاج‌خانه، کاردنیگ، فلایر[1]، رینگ، بقچه‌بندی، کلاف، غلتک‌سازی، چله‌خانه، آهار، بافندگی، رنگ‌ریزی و تکمیل (ساکماق: ۱۳۹۱۴۲/۱۵). با نصب ماشین‌آلات کارخانه طی سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ش مراسم گشایش کارخانه نخریسی و نساجی خسروی در اسفند ماه ۱۳۱۶ ش در محل کارخانه نخریسی، با حضور فتح‌الله پاکروان استاندار استان نهم (خراسان) و افسران ارتش و مردم شهر آغاز شد (شهامت، ش ۸۲(۱۳۱۶): ۲). صاحبان کارخانه نخریسی عبارت بودند: آستان قدس، شرکت سهامی تجارتی خراسان، آقای نصیر زاده، وهاب‌زاده، کلکانی، درودی، نبویان و اشخاص متفرقه در ایران که جمعاً بیش از ۷۰./. کل سهام و کمتر از ۳۰./. باقی‌مانده متعلق به پارسیان مقیم هندوستان بود (ساکماق: ۱۳۹۱۴۲/۱۴).

بنا بر اسناد موجود، در سال ۱۳۱۶ش عزت وهاب‌زاده به سمت اولین مدیرعامل کارخانه نخریسی برگزیده شد بعد از وی حاجی آقا نبویان، حسن احیائی، حسن کفائی (برادر آیت الله کفائی)، فلاح رستگار، محمود فرخ (از ادبای مشهد)،

۱-Flyer: برای نازک کردن فتیله قبل از تبدیل آن به نخ از بخش فلایر یا نیم تاب استفاده می‌شود.

منجذب، منوچهر امیری و سیروس احمدی تهرانی از مدیرعاملان کارخانه تا انقلاب اسلامی بودند.

. به نظر می‌رسد نام‌گذاری کارخانه نخریسی و نساجی به «خسروی» منسوب به ارباب کیخسرو نماینده پارسیان هند و نماینده مجلس که در تمام جلسات اولیه شخصاً حضور داشتند و صاحب ۲۰ در صد از سهام اولیه شرکت بود. در گزارشی آمده است: «از بدو مذاکرات شرکت سهامی نخریسی در خراسان برحسب اجازه مخصوص بندگان اعلی‌حضرت اقدس همایونی نام «خسروی» در نظر گرفته شد» تصویر (۲).



تصویر ۲: ارسال اطلاعات کارخانه نخریسی به سازمان‌های مختلف (ساکماق: ۱۳۷۵۷۷/۱۳۱)

تأثیرات اقتصادی کارخانه نخریسی و نساجی

تأسیس مراکز صنعتی ازجمله کارخانه قند آبکوه، شرکت فلاحتی خراسان، شرکت سهامی صادرات میش و تیماج در مشهد به‌عنوان کانون و پایگاه اصلی این مراکز تولیدی، باعث تأثیراتی در ساختار اقتصادی شدند که نمی‌توان این تأثیرات را نادیده گرفت. کارخانه نخریسی خسروی ازجمله این مراکز صنعتی از دو جهت در صنعت نساجی اهمیت داشته است: ۱. اشتغال‌زایی، ۲. جایگاه کارخانه در خودکفایی نخریسی و نساجی در خراسان. تأمین نیروی کار مورد نیاز کارخانه نخریسی در دو سطح مهندسان و کارگران غیر ماهر بود. مهندسان شاغل در کارخانه غالباً از کشور آلمان و مکانی در نزدیکی کارخانه برای اقامت آنان در نظر گرفته شده بود (دیانی: ۹۶/۰۷/۴). مستخدمین خارجی که در سال‌های آغازین در کارخانه نخریسی و نساجی خسروی فعالیت داشتند عبارت بودند از: هانس اشتروسن[1] تابعیت سوئیس، ویلیام فوکس[2] تابعیت هنگری،[3] پستونجی میستری[4] تابعیت انگلیس، اتو ویبی[5] تابعیت سوئیس (ساکماق: ۱۳۹۱۴۲/۱۸)، اتو کنزه[6] تابعیت آلمان (اِستادوخ: پ ۲۴، ک ۱۳۲۹/۴۴). در کنار آموزش سواد به کارگران که در دستور کار مسئولین قرار گرفت، تصمیم به آموزش‌های حرفه‌ای کارگران گرفته شد تا آن‌ها با اصول نخریسی و نساجی آشنا شده و تبدیل به کارگران ماهر شوند. بنابراین از دو طریق به امر آموزش نیروی صنعتی اقدام نمودند. یکی تشکیل کلاس‌های فنی در کارخانه توسط مهندسان خارجی (ساکماق: ۱۴۰۵۵۱/۹). دوم اعزام کارگران جهت بالا بردن سطح مهارت و معلومات فنی به کارخانه‌های نخریسی اصفهان، شرکت در کارگاه‌های آموزشی کشور (ساکماق: ۱۳۸۲۰۹/۱)؛ و اعزام عده‌ای از کارگران کارخانه برای تعلیمات فنی به خارج از کشور. در طی نامه‌نگاری شرکت نخریسی و نساجی خسروی با اداره کار استان نهم به این

1-Hans Straussn

2 -William Foxx

3-مجارستان

4 -Ponies Mystery

5-Otto Vibe

6 -Otto Knees

موضوع اشاره شده است «با بعضی از کشورهای خارجه منجمله آلمان غربی مذاکراتی در جریان است که تعدادی از کارگران برای تعلیمات فنی به آنجا اعزام گردند بدیهی است در هر رشته که اشخاص انتخاب شوند از بین کسانی خواهند بود که از لحاظ تعلیمات فنی، سن، اخلاق و رفتار و نیز باسواد بودن بر دیگران مرجع بوده» (ساکماق: ۱۵۵۲۱۹/۱). کارخانه نخریسی باهدف تولید نخ و پارچه در سال ۱۳۱۷ش با حدود سیصد کارگر به بهره‌برداری رسید (ساکماق: ۱۳۸۳۶۰/۲۹) که این تعداد در سال ۱۳۱۸ش به ۴۴۸ نفر رسیده است. جدول (۲).

جدول ۲: توزیع کارگران به تفکیک جنسیت در کارخانه نخریسی خسروی در سال ۱۳۱۸ (ساکماق: ۱۳۹۱۴۲/۱۹)

کارگران مرد از سن ۱۵ به بالا و حد متوسط حقوق روزانه آن‌ها	۲۴۳ نفر	۵ ریال و ۹۵ شاهی
کارگران زن از سن ۱۵ به بالا و حد متوسط حقوق روزانه آن‌ها	۱۰۰ نفر	۲ ریال و ۱۵ شاهی
کارگران مرد از سن ۱۵ به پایین و حد متوسط حقوق روزانه آن‌ها	۵۳ نفر	۳ ریال و ۲۵ شاهی
کارگران زن از سن ۱۵ به پایین و حد متوسط حقوق روزانه آن‌ها	۵۲ نفر	۱ ریال و ۶۰ شاهی
تعداد کل کارگران: ۴۴۸ نفر		

برای شهر مشهد با جمعیت ۱۷۶۷۷۱ نفر در آن ایام (رهنما، ۱۳۹۰: ۲۳) تعداد ۴۴۸ نفر کارگر و خانواده آن‌ها که به‌طور مستقیم به فعالیت در کارخانه نخریسی وابسته بودند، قابل‌توجه به نظر می‌رسد. با تأسیس کارخانه سطح کشت پنبه نسبت به قبل از تأسیس کارخانه رو به افزایش نهاد، به‌طوری‌که در سال ۱۳۳۷ ش در استان بیش از ۴۴۸۳۱ هکتار زمین زیر کشت پنبه‌قرار گرفت که محصول آن بالغبر ۵۹۷۵۴ تن بود که در حدود ۲۰ هزار تن در کارخانه خسروی مورد مصرف قرار گرفت. کارخانه در سال ۱۳۵۰ش ۱۱۸۱ نفر کارگر با دستمزد متوسط ۴۲۱۵ ریال را پوشش می‌داد (ساکماق: ۱۶۳۶۰۱/۷). افزایش تعداد کارگران از سال ۱۳۱۷ش تا سال ۱۳۵۰ش نشان از سهم رو به رشد کارخانه نخریسی در زمینه اشتغال‌زایی در مشهد بود. بهره‌برداری اولیه کارخانه در سال ۱۳۱۷ش روزانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ بقچه نخ در روز بود که مقدار تولید آن در سال ۱۳۲۰ ش به ۳۵۰ بقچه انواع نخ و سه هزار متر پارچه در روز رسید. معمولاً ۳۰ درصد نخ تولیدی کارخانه در قسمت نساجی شرکت به مصرف تهیه پارچه می‌رسید و ۷۰ درصد قابل‌فروش در بازار بود (ساکماق: ۱۵۲۹۷۳/۱). نخ تولیدی کارخانه از پنبه و ویسکوز (الیاف مصنوعی) که از نوع ضخیم شامل نمره ۲ تا ۳۶ که به شکل بوبین و کلاف و به‌صورت خودرنگ و نخ‌های رنگی که از الیاف مصنوعی رنگی تهیه می‌شد تولید می‌شد که تمام صنف قالی‌بافان، گلیم‌بافان و شعربافان مشهد و اطراف مشهد همچون کاشمر، قوچان، بیرجند مصرف کننده تولیدات کارخانه نخریسی خسروی بودند. از سوی دیگر این کارخانه با تأسیس فروشگاه‌هایی در نقاط مختلف شهر ازجمله بست بالا خیابان، میدان مجسمه، خیابان شاه رضا و در محل کارخانه تولیدات خود را مستقیماً در اختیار مصرف‌کنندگان می‌گذاشت (ساکماق: ۱۴۴۷۳۵/۳). همچنین نمایندگان فروش در شهرهای تهران، زاهدان و باجگیران داشت جدول (۳).

جدول ۳: نمایندگان فروش محصولات کارخانه (مآخذ: ساکماق: ۱۳۹۱۴۲/۳۷،۱۹)

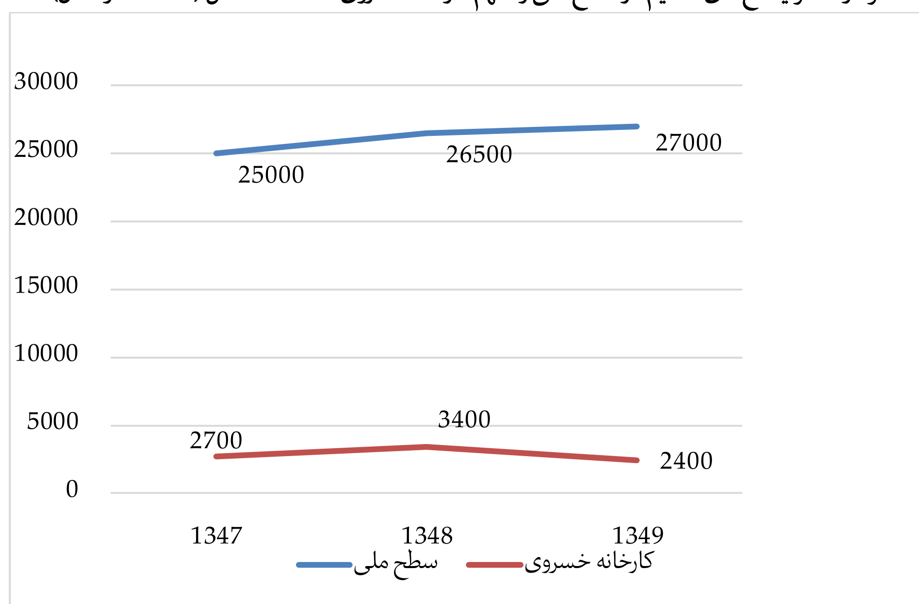
ردیف	نام شهر	نماینده
۱	تهران	غلامرضا مهاجر اسکویی
۲	زاهدان	حاجی شیخ فیض محمد و برادران کلندرام
۳	باجگیران	قنبر علی رحیم زاده

محصولات کارخانه نخریسی بالطبع بادوام و از لحاظ خرید مقرون‌به‌صرفه بود انواع پارچه‌های نخی چون بیشتر در خراسان مصرف می‌شد بنابراین در نظر گرفتن سلیقه مردم در طراحی پارچه‌ها و مرغوبیت و ارزانی آن مورد توجه کارفرمایان

بود. پارچه‌های کارخانه در طرح و نقش‌های متنوع تولید می‌شد و هر قشری با توجه به فراخور خود می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند به‌طوری‌که در سال ۱۳٤۹ش مصرف انواع پارچه‌های نخی کارخانه به ٤۸۵ میلیون متر رسید که با توجه به بهبود سطح زندگی قشر کارگران و کشاورزان مصرف پارچه‌های نخی افزایش یافت. از دیگر تولیدات کارخانه شال برفی، شال‌های رنگی، کودری به رنگ سفید، متقال بود به‌ویژه «رو میزها» که به‌عنوان سوغاتی مورد توجه زائران مشهد بود (خراسان، ش ۲۲۳۳(۱۳۲۹): ۱). اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ توسط متفقین باعث رکود در همه‌جا شد اما حضور نیروهای ارتش سرخ در مشهد و نیاز آن‌ها به لباس باعث شد بازار جدیدی برای تولیدات کارخانه نخریسی و نساجی خسروی مهیا گردد و این کارخانه در اوج رونق قرار گیرد. بنابراین قیمت محصولات و تولیدات کارخانه چند برابر گردید (با روحی: ۱۳۸۹/۰۱/۳۱) و غالباً نخ و قماش کارخانه چهار برابر قیمت آن فروخته می‌شد. بقچه نخ از ۲۷۰ ریال به ۱۰۷۰ ریال و قماش از متری ۳۰ ریال به ۱۵۰ ریال به فروش می‌رسید و هر صاحب‌سهم چند برابر اصل سرمایه خود سود خالص می‌برد (خراسان، ش ۲۹۹(۱۳۲۹): ۲). باوجود رونق کار کارخانه و افزایش تولید و قیمت محصولات تولیدی آن‌که سود کلانی نصیب سهامداران شد، چون شرکت تمامی سودهای کلان دوران جنگ را مابین سهامداران تقسیم کرده و حتی برای استهلاک ماشین‌آلات خود چیزی کنار نگذاشته بود در دو سال آخر جنگ «بر اثر بحران اقتصادی و رکود بازار معاملات و ورود قماش نخی از خارج به کشور اوضاع مالی شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی خراسان مواجه با اشکالاتی شد» (ساکماق: ۱۱۹۱۹۲/۱). از این‌رو شروع به نامه‌نگاری با وزارت دربار شاهنشاهی جهت حل مشکلات نمود (ساکماق: ۱٤۵۸۵۵/۷۵). با خاتمه جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲٤ش کارخانه نخریسی مانند سایر کارخانه‌های کشور با یک سری ماشین‌آلات کهنه و فرسوده و موتورهای برق مستهلک و کارگران مازاد روبه‌رو شد (ساکماق: ۱۰۸۰۲۱/۷۱). از یک‌طرف رکود و کساد بی‌سابقه بازار و به‌خصوص ورود سیل‌آسای کالای خارجی به کشور این کارخانه با بحران و مضیقه مالی روبه‌رو شد. بر اثر عوامل و مشکلات فوق روز به روز کالاهای تولیدی کارخانه تنزل بهاء یافته به‌طوری‌که کارفرمای وقت حاضر شد محصول کارخانه را به بهای تمام شده بدون داشتن سود به فروش برساند با بررسی گزارش‌های هیئت‌مدیره در اسناد موجود، محصولات نخ و پارچه به بهای تمام شده خریدار نداشته و شرکت از هر بقچه نخ در حدود سی ریال و از فروش پارچه در حدود صدی پانزده تا صدی بیست از قیمت تمام شده زیان می‌کرد بااین‌حال با استفاده از اعتبارات بانکی و استقراض، مانع از وقفه در کار کارخانه می‌شدند (ساکماق: ۱۵۰۸۳۵/۷۵)؛ اما سرانجام به دلایل بحران اقتصادی که شرکت گریبان گیر آن شده بود و عدم سوددهی کارخانه، بالطبع سهام شرکت ارزش خود را از دست داد که منجر به شکایت و اعتراض سهامداران آن ازجمله سهامداران یزدی شد (ساکماق: ۱۳۹۹۷۲/۱۰) که این شکایت و پاسخ آن مدتی به طول انجامید، بنابراین در جلسه مورخه ۱۳۲۹/۳/۲۲ مجمع سهامداران شرکت به علت بحران وضع مالی و اقتصادی، صرف نداشتن فراورده‌های شرکت در مقابل اجناس وارداتی مشابه از خارج و نبود بازار فروش و رکود سرمایه تصمیم به تعطیلی کارخانه گرفتند (ساکماق: ۱۵۰۸۳۵/۷۲). اما وزیر اقتصاد طی نامه‌ای به تاریخ ۱۳۲۹/٦/۷ خطاب به مدیرعامل وقت نوشت: «به‌منظور حفظ و حمایت از صنایع داخلی به‌خصوص کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی سهمیه نخی در سال جاری به پانصد میلیون تقلیل و بهاء ورود منسوجاتی که مشابه آن در داخل به‌اندازه کافی تهیه می‌شود به‌کلی ممنوع گردیده است بعلاوه اقداماتی از وزارت کار صورت خواهد گرفت تا در هزینه کارخانه‌ها تقلیل حاصل شود بنابراین آن کارخانه باید به کار خود ادامه داده و در بهبودی محصول و ارزان کردن بهای کالاهای خود پیش از پیش ساعی باشد» (ساکماق: ۱۵۰۸۳۵/٦۹). در سال ۱۳٤٦ش پروانه توسعه کارخانه توسط اداره کل صنایع صادر گردید (ساکماق: ۱۱٤۷٤۸/۳٤). به دستور محمدرضاشاه پهلوی و به‌منظور توسعه و تکمیل این بنگاه اقتصادی، آستان قدس رضوی که سهامدار عمده کارخانه بود اقدام به سرمایه‌گذاری شصت میلیون ریال در کارخانه نمود و سرمایه کارخانه از ۸۰ میلیون به ۱٤۰ میلیون ریال افزایش یافت و با وارد کردن ماشین‌آلات نوین صنعتی، هزار دوک نخریسی هزار تا یک صد و پانصد هزار دوک نساجی، تولید کارخانه از ۳٤۰۰ تن نخ به ٤۰۰۰ تن

نخ و از ۴/۷۰۰/۰۰۰ متر پارچه به ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ متر پارچه در سال رسید (ساکماق: ۷۶۸۶۲/۲). گزارش‌های اسناد اقتصادی از عملکرد کارخانه نشان می‌دهند که این واحد صنعتی در میان سایر کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی کشور و تأثیر اقتصادی توسعه این کارخانه در تولید نخ‌های ضخیم در سطح ملی در طی سال‌های ۴۹-۴۷ سهم عمده‌ای را ایفا کرده است نمودار (۱).

نمودار ۱: تولید نخ‌های ضخیم در سطح ملی و سهم کارخانه خسروی ۱۳۴۹-۱۳۴۷ش (مأخذ: نگارندگان)



با توجه به نمودار بالا سهم کارخانه نخریسی خسروی در سطح ملی در سال ۱۳۴۷ش ۱۰/۸ درصد، در سال ۱۳۴۸ش ۱۲/۸ درصد و در سال ۱۳۴۹ش ۱۳/۷ درصد که رقم قابل‌ملاحظه‌ای بود. در طی سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ش بالا رفتن تقاضا و مصرف نخ‌های ضخیم و محدود بودن ظرفیت موجود کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی در بازار، خلاء بین تولید و مصرف شکل گرفت.

سال	مصرف	خلاء بین تولید و مصرف
۱۳۵۰	۲۸۱۰۰ تن	۱۱۰۰ تن
۱۳۵۱	۲۹۲۵ تن	۲۲۵۰ تن

کارخانه نخریسی و نساجی خسروی با تولید ۶۰۰ تن نخ در سال ۱۳۵۰ش و ۱۶۵۰ تن نخ در سال ۱۳۵۱ش بخشی از خلاء بازار مصرف نساجی کشور را بر طرف کرد (ساکماق: ۱۶۱۴۰۳/۷). با استناد به گزارش‌های اقتصادی، کارخانه نخریسی خسروی از جهت تولید نخ‌های ضخیم و پارچه‌های نخی مرغوب، تنها کارخانه‌ای بود که در دهه ۵۰ رشد و افزایش قابل‌توجهی در تولیدات نساجی در بازار ملی داشت و محصولات آن شامل شال برفی، کودری، متقال در بازار داخلی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد. به‌طوری‌که کارفرمایان وقت تصمیم گرفتند که محصولات کارخانه را به خارج از کشور ازجمله افغانستان و پاکستان و اروپا صادر کنند. تولیداتی که محبوبیت فراوانی در کشور افغانستان داشت پارچه‌ای بنام «شال برفی» که تجارتخانه فاروقی در افغانستان که قرارداد سالانه یک‌میلیون و پانصد هزار متر از انواع

پارچه‌های نخی را با کارخانه بسته بود (ساکماق: ۱۵۹۶۴۷/۸۷) و حوله بسیار مرغوب که کشورهای اروپایی خریدار عمده آن بودند (خراسان: ش ۵۹۳۶(۱۳۴۸): ۴). پیشرفت قابل‌توجه کارخانه در خراسان و مشهد و توسعه آن در فعالیت اقتصادی کشور، باعث شد که به دستور محمدرضاشاه پهلوی طرح متحدالشکل نمودن لباس کار کشاورزان و کارگران سراسر کشور بنام «بلوچین» در کارخانه نخریسی پیاده شود (ساکماق: ۱۵۹۶۵۰/۲). در گزارشی از سوی وزیر دربار خطاب به عالیجانی وزیر اقتصاد و سمیعی مدیرعامل سازمان بودجه آمده است «در اجرای اوامر مطاع شاهنشاه نسبت به متحدالشکل کردن لباس روستاییان کشور از نوع بلوچین به جناب آقای پیرنیا تولیت عظمی و استاندار خراسان ابلاغ گردید و برای بررسی و رسیدگی موضوع کمسیونی در روز یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۴۸ در دفتر این‌جانب در کاخ وزارت دربار شاهنشاهی با حضور آقای منجذب مدیرعامل شرکت تشکیل می‌گردد خواهشمند است در روز مزبور لطفاً تشریف بیاورید» (ساکماق: ۶۹۷۰۲/۳۳). کارخانه نخریسی به‌عنوان بزرگ‌ترین مؤسسه صنعتی شرق کشور، علاوه بر اینکه قسمت عمده نیازمندی‌های استان خراسان و کشور را از نظر پارچه و نخ‌های ضخیم تأمین می‌کرد، بازار مناسبی برای صادرات فراورده‌های خود نیز به همراه داشت.

تأثیرات اجتماعی کارخانه نخریسی و نساجی

ایجاد کارخانه نخریسی به‌عنوان یک واحد صنعتی در مشهد علاوه بر عملکرد اقتصادی و صنعتی، در پیدایی قشر اجتماعی به نام «کارگر صنعتی» تأثیرگذار بود. با بررسی محتوای اسناد می‌توان به این نتیجه رسید کارگرانی که در کارخانه اشتغال داشتند با یافتن کارهای بهتری در امور زراعتی در فصول مختلف سال فوراً و بدون اطلاع کارخانه را ترک و به روستاهای خود می‌رفتند. این کارگران عمدتاً ریشه روستایی داشتند و به روستاهای اطراف شهر مشهد ازجمله قلعه گل خطمی، طرق، قلعه محمدآباد و آبکوه تعلق داشتند که به مشهد مهاجرت می‌کردند. ممنوعیت کشت خشخاش در خراسان طبق تصویب‌نامه شماره ۱۳۱۳۸ مورخه ۲۵/٤/۲۷ توسط هیئت دولت (آفتاب شرق، ش ۱٦٦-۱٦٥(۱۳۲٦): ۱) موجب شد تا اکثر کشاورزان به مشهد آمده و در کارخانه مشغول به کار می‌شدند (دیانی: ۱۳۹٦/۰۷/۰٤). بخش دیگر نیروی کار، مهاجرین قفقازی بودند که در دوره پهلوی اول در مشهد ساکن شدند. حسین مشکینیان و برادرش که خود از این مهاجرین بودند و در این کارخانه مشغول به کار شدند، راجع به ترکیب جمعیتی کارگران کارخانه چنین گفته است: «کارگران و استخدام آن‌ها دسته‌جمعی بود زیرا این مهاجرین از روسیه آمده، اکثراً آذربایجانی بودند و به مشهد کوچ داده شدند و علت آمدن آن‌ها به مشهد به خاطر اینکه در مشهد کارخانه نخریسی و نساجی خسروی بود که خود و همسرانشان در کارخانه مشغول به کار شدند» (مشکینیان: ۸۹/۳/۱۸). جهت اسکان به این مهاجرین باغ‌های اعتضاد التولیه واگذار شد و سبک ساختن خانه توسط این مهاجرین به سبک منازل روسی و نوع موسیقی و ارکستر و حضور آن‌ها در قهوه‌خانه‌های شهر و مصرف چایی در استکان‌های بزرگ معروف به استکان ترکی همیشه مورد توجه مردم در مشهد بود علاوه بر این کارگرانی که شامل اقلیت‌های زرتشتی، یهودی، ارمنی در کارخانه مشغول به کار بودند و معمولاً این کارگران در محیط کارخانه جهت تبلیغ دین خود آزاد بودند (مشکینیان: ۸۹/۳/۱۸). ترکیب سنی کارگران شاغل در کارخانه بین ۱۳ تا ٦۰ سال بود (صادقیان، ۱۳۵۱: ۲۵). غالباً کارگران کارخانه بی‌سواد بودند، با توجه به وضع قوانین و ایجاد تشکیلاتی برای باسواد کردن کارگران در دوره رضاشاه کلاس‌های بزرگسالان «اکابر» در کارخانه برای تدریس در نظر گرفته شد که معلمین آن را اداره فرهنگ پیشه و هنر معین می‌کرد (ساکماق: ۱۳۷۷۹۷/۳۱). برای کارگرانی که در کلاس‌های اکابر شرکت می‌کردند مزایای خاص ازجمله محسوب داشتن ساعات شرکت در کلاس و مقرر داشتن اضافه‌حقوق برای کسانی که موفق به اتمام کلاس‌های دوره اول می‌شوند در نظر می‌گرفتند. طبق مفاد بخشنامه مورخه ۱۳۱۷/۳/۵ش استاندار استان نهم مشهد که به دایره حسابداری شرکت نخریسی دستور داده شد همیشه قبل از پرداخت روزمزد کارگران کارنامه آن‌ها که حاکی از حضور در یکی از کلاس‌های اکابر بدون غیبت باشد رؤیت نمایند در غیر این صورت روزمزد آن‌ها قابل پرداخت نخواهد بود (ساکماق: ۱۳۸۸٤۳/٦) بنابراین در تاریخ ۱۳۲۱/۹/۲ ش

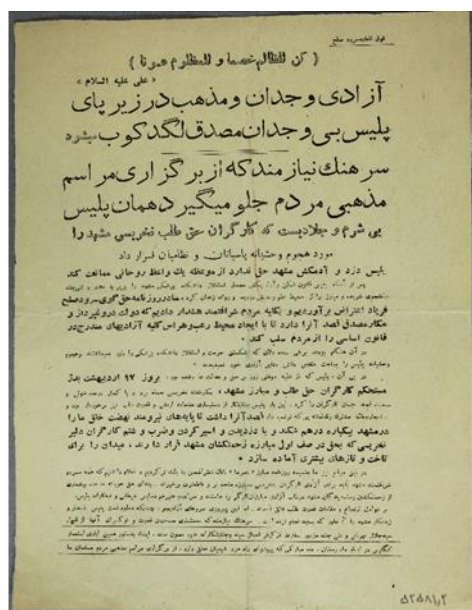
آماری از سوی دایره کارگزینی به ریاست کارخانه مبنی بر دایر بودن و استقبال کارگران از کلاس اکابر داخل کارخانه در روز پنجشنبه در تاریخ ۱۳۲۱/۸/۲۳ ش بدین شرح اعلام گردید جدول (٤).

جدول ۴: حضور کارگران در کلاس اکابر (ساکماق: ۱۳۷۷۹۷/۵)

کارگران	جنسیت	شیفت	ساعت حضور	تعداد
//	مرد	شب	۷ تا ۸ صبح	٥٠
//	مرد	بعد از ظهر	٥ تا ٦	٦٠
//	زن	شب	۷ تا ۸	٣٤
//	زن	بعد از ظهر	٥ تا ٦	٢٥

بطوریکه کارفرمایان کارخانه با انجام این اقدامات و تشویق کارگران برای شرکت در کلاس‌های پیکار با بیسوادی موفق شدند از مجموع ۷۸۳ نفر کارگر در سال ۱۳۴۲ ش آمار کارگران بی‌سواد را به ۲۸۱ نفر برسانند (خوانیکی،۱۳۴۲: ۵۸). صدای بوقِ کارخانه به دلیل کوچک و محدود بودن شهر علاوه بر اینکه مردم شهر را اجیر می‌کرد همه ساکنان شهر را از حرکت کارگران به سمت کارخانه به‌صورت پیاده یا با دوچرخه که هر کارگری در آن زمان آرزوی آن را داشت خبر می‌داد، وسیله «اعلام اخبار نیز بود که در مناسبت‌های مهم به صدا در می‌آمد» (ساکماق: ۱۶۴۱۱۵/۱).

درباره تعداد کارگران که مستقیماً در کارخانه مشغول به کار بودند می‌توان گفت از اطلاعات و آمار دقیق مستخرجِ از اسناد می‌توان نتیجه گرفت کارخانه با توجه به شرایط و توسعه خود به‌دفعات تعداد کارگر زیادی را استخدام نموده و یا به اخراج کارگران پرداخته است. با رشد و توسعه کارخانه نخریسی سیل مهاجرت کارگران از سایر نقاط به‌خصوص از جنوب خراسان به دلیل خشک‌سالی و حتی خارج از کشور آغاز شد. در واقع، وجود این بنگاه اقتصادی علاوه بر تغییر بافت جمعیتی شهر، موجب شد که مشهد پذیرای مهاجران جویای کار شود. بر طبق آمار جمعیتی دهة ۵۰ حدود سیصد نفر کارگران کارخانه از تربت‌حیدریه، نیشابور، اهواز، پاکستان، عراق بودند (شاملو: ۹۶/۱۰/۹). تأسیس کارخانه نخریسی و تجمع عده زیادی از کارگر در این واحد صنعتی، تشکیل اجتماعات سیاسی کارگری در شهر مشهد امکان‌پذیر شد. وقایع شهریور ۱۳۲۰ ش و اشغال مشهد توسط ارتش سرخ، موجب شد تا جنبش کارگری در مشهد فرصت بروز یابد. حزب توده نیز از این موقعیت استفاده کرده و بر این جنبش مسلط گردید. اسناد زیادی از تجمع، سخنرانی، راهپیمایی، اعتراض و اعتصاب در داخل کارخانه توسط کارگران وجود دارد که کارگران یا بارها از کار دست کشیده و دستگاه‌ها را رها می‌کردند یا به تحریک کارگران پرداخته‌اند. برای نمونه طی مکاتبه سرهنگ امجدی کفیل شهربانی خراسان با ریاست کارخانه در تاریخ ۱۳۳۰/۱۲/۱۳ به‌طور محرمانه راجع به سخنرانی تعدادی از کارگران، این رویه را آشکارا توضیح داده، خواستار کنترل آن شد «گزارش‌های واصله حاکی است اغلب اوقات در داخل کارخانه نخریسی توسط حسین ایمانی و عده‌ای دیگر سخنرانی‌های به عمل می‌آید چون این اقدام اگر در کارخانه نظایر پیدا کند ممکن است موجب تهییج احساسات شده و به ضرر کارگاه تمام شود» (ساکماق: ۱۴۹۴۲۸/۱۱۰). در مقابل تبلیغات حزب توده و نفوذ اندیشه‌های آن در بین کارگران و اعتراضات کارگران برای اعاده حق و مطالبات خود، واکنش کارفرما را به دنبال خود داشت. اغلب قسمت‌ها را به زنان و اطفال واگذار می‌کردند و مردان را در موقع تقاضای اضافه‌حقوق تهدید می‌کنند که به‌جای آن‌ها زن استخدام خواهند کرد (راستی، ش ٦٦(۱۳۲۲): ۲). سرانجام شهربانی با اعزام ارتش و همکاری کارفرما «فرخ» برای جلوگیری از همه‌گیر شدن فعالیت عناصر وابسته به حزب توده با شدت تمام وارد عمل شدند و در روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۱ش با حمله به کارخانه تمام کارگرانی که قبلاً شناسایی شده بودند، دستگیر می‌کنند تصویر (۳).



(کن للظالم خصما و للمظلوم عونا)

«علی علیه السلام»

آزادی وجدان ومذهب در زیر پای پلیس بی وجدان مصدق لگدکوب میشود

سرهنگ نیاز مند که از برگزاری مراسم مذهبی مردم جلو میگیرد همان پلیس بی شرم و جلادیست که کارگران حق طلب نخریسی مشهد را

مورد هجوم وحشیانه پاسبانان و ظامیان قرار داد

پلیس دزد و آدمکش مشهد حق ندارد از موعظه یك واعظ روحانی ممانعت کند

[illegible]

... ما در روزنامه حق گوی سرود صلح فریاد اعتراض برآوردیم و بکلیه مردم شرافتمند هشدار دادیم که دولت دروغپرداز و مکار مصدق قصد آنرا دارد تا با ایجاد محیط رعب و هراس کلیه آزادیهای مندرج در قانون اساسی را از مردم سلب کند .

[illegible]

... روز ۲۷ اردیبهشت بعد ... مستحکم کارگران حق طلب و مبارز مشهد ، ...

[illegible]

... قصد آنرا داشت تا پایه‌های نیرومند نهضت خلق ما را در مشهد یکباره درهم شکند و با دزدیدن و اسیر کردن وضرب و شتم کارگران دلیر نخریسی که بحق در صف اول مبارزه زحمتکشان مشهد قرار دارند ، میدان را برای تاخت و تازهای بیشتری آماده سازد .

[illegible]

۵۲۵۸۱/۲

تصویر ۲: متن اعلامیه هیأت تحریریه سرود صلح در خصوص محکومیت جنایات رژیم در حمله به کارگران کارخانه نخریسی (ساکماق: ۵۲۵۸۱/۲)

در این روز که فرخ از آن به‌عنوان ایام عزای رسمی شکست حزب توده نام می‌برد (ساکماق: ۱۴۹۴۳۰/۳). ۲۳ نفر کارگر کارخانه به جرم فعالیت‌های سیاسی و تحریک سایر کارگران و اخلال نظم و اغتشاش و نزاع و ضرب و شتم و جرح سایر کارگران و مأمورین بودند دستگیر شده و با پرونده به دادسرا تحویل داده می‌شوند (ساکماق: ۱۴۹۴۲۸/۴۷، مَراسان: ۳۷، ۳۸ /۱۰۵۱۱). ۱۹ نفر از این کارگران بعد از محاکمه، در تیر ماه ۱۳۳۱ ش از کارخانه اخراج شدند جدول (۵).

جدول ۵: اطلاعات و اسامی تعدادی از دستگیرشدگان (ساکماق: ۱۴۲۴۲۸/۶۷)

ردیف	نام ونشان	متأهل	تعداد اولاد	عائله خانواده	کسانی که در داخل کارگاه کار می‌کنند	محل کار
۱	محمدرضا آبادیان	متأهل	۲	مادر خواهر	برادر	قسمت تکمیل
۲	حسین مشکینیان	//	//	دو برادر	برادر	قسمت کاردینگ
۳	حسن آبشاهی	مجرد	ندارد	پدر مادر خواهر	ندارد	قسمت نساجی
۴	اسماعیل صنعت‌کار	متأهل	۱	پدر مادر خواهر برادر	برادر پسر عمویش	کمک سرکارگر

عده‌ای دیگر متواری شدند و راه مهاجرت به شوروی را در پیش گرفتند (عامل‌سلوکی: ۱۳۹۰/۰۹/۱۸). ۱۵ نفر از کارگران اخراجی کارخانه نخریسی با ارسال تلگرافی در تاریخ ۳۱/۴/۲۰ به هیئت مؤتلفه سندیکای مستقل کارگری تهران و مجلس شورای ملی اعتراض خود را از حمله پلیس و حکومت‌نظامی به کارخانه و پیگیر بیکاری خود می‌شوند و بعد از ۱۵ روز تحصن آن‌ها در تلگراف‌خانه، با حمله نیروی شهربانی به تلگراف‌خانه، تلاش آن‌ها به سرانجام نرسید (کِمام:۲/ ۱۲/۵-۱۲/۱/۵/۱۲/۱۱۹/۱۷). با ادامه فعالیت نیروهای شهربانی و کنترل کارگران کارخانه، منازل تعدادی از کارگران کارخانه نخریسی مورد بازرسی قرار گرفت و در دی‌ماه ۱۳۳۱ ش در منزل سه تن از کارگران مقادیر زیادی اعلامیه کشف و اسناد مربوط به فعالیت سیاسی آن‌ها و همکاری با حزب توده کشف و ضبط گردید (مپس:j۱/۱ ۱۱۳۹۱۲). باوجود تمام تلاش‌ها علیه فعالیت طرفداران حزب در کارخانه، فعالیت حزب تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش در کارخانه ادامه یافت و بعد از کودتا تعدادی از کارگران توده‌ای کارخانه نخریسی بازداشت و محاکمه شدند ازجمله؛ حبیب دهقان، محمدحسین آبادی، سید طالب پازادبور و عده‌ای متواری شدند، همچنین هفت نفر از کارگران کارخانه به جرم همکاری با حزب توده دستگیر شدند که برخی از آنان تا پایان

سال ۳۲ ش از زندان آزاد شدند (مَراسان: ۹۸۱۸/۲۷-۹۸۳۹/۲۲-۱۰۵۱۱/۲۳).

تأسیس کارخانه راه ورود زنان و کودکان به قشر کارگران صنعتی باز شد. کارخانه نخریسی از دو بخش ریسندگی و بافندگی تشکیل یافته بود. کارگران بخش بافندگی و پنیرکُنی[۱] اغلب زنان بودند و کودکان در بخش ریسندگی به‌کارگماشته شده بودند بر اساس آمار دقیق از تعداد زنان کارگر مشغول به کار در سال ۱۳۲۵ ش چنین برداشت کرد به ازای هر سه کارگر مرد، یک نفر کارگر زن بود (ساکماق: ۱۵۰۸۵۱/۷۲). به نظر می‌رسد نگاه به مشارکت زنان به‌عنوان یک نیروی کار در کارخانه یک نگاه طبقاتی بود زیرا زنانی که در کارخانه استخدام می‌شدند کسانی بودند یا همسر آنان فوت کرده یا طلاق گرفته و یا از زنان تهیدست که از نظر مالی خیلی ضعیف بودند (تیزرو: ۱۳۸۹/۰۷/۱۷). اصولاً فرهنگ و تفکر حاکم بر جامعه آن روز به نحوی بود که کارگران فقط با کارگران درمی‌آمیختند. اغلب کارگران مرد با زنان کارگر ازدواج می‌کردند (باروحی: ۱۳۸۹/۰۲/۱۴). در ارتباط با رضایت شغلی، ساعات کاری و این‌که نسبت به مردان حقوق پایین‌تر داشتند، در اسناد اطلاعاتی در دست است که دستمزد آنان یک‌سوم تا دو سوم دستمزد مردان بود. کارگران زن نسبت به این نابرابری و عدم‌تساوی حقوق اعتراض داشتند و در پی دستیابی به حقوق برابر در زمینه اشتغال بودند. در نامه‌ای که به امضای ۳۴ نفر کارگر زن و خطاب به کمیته ایالتی اتحادیه کارگران آمده بود «محترماً معروض می‌داریم ما کارگران چه گناهی کرده‌ایم با این زحمات فوق‌العاده و کمرشکن و این جوش‌کار شب و روز مشغول هستیم و نمی‌توانیم مخارج پانزده روز خود را در یک ماه کارکرده اداره کنیم و بالاتر از این دو ماه پیش که تصویب شده بود به کارگران ۴۰ درصد اضافه‌حقوق شامل شود به تمام کارگران این اضافه‌حقوق شامل شده اما ما کارگران چه تقصیری داشتیم که ۲۰ درصد مشمول حال ما شده و روزهای تعطیلی را که هم باید بمانیم با این وضعیت سخت و این گرانی ما یک مشت زن که از استیصال مجبوریم دوازده ساعت جان بکنیم و از همه نوع طرز زندگی محروم هستیم آیا سزاوار است با چنین بدبختی اضافه برای همه تصویب شده به ما نصف آن را بدهند» (ساکماق: ۱۴۵۱۸۲/۱).

وجود کارگران زن در کارخانه اثرات اجتماعی نیز در پی داشت. با شکل‌گیری اتحادیه کارگری خراسان وابسته به حزب توده در مشهد، «رخساره جوان» از کارگران نخریسی و نساجی خراسان، عضو کمیته ایالتی اتحادیه کارگران و به‌عنوان یکی از رهبران اتحادیه زنان کارگر خراسان (راستی، ش ۱۰۲(۱۳۲۲): ۳) و تشکیلات زنان وابسته به حزب توده انتخاب شد (کِمام: ۱۴/۱۰۹/۴۲/۲۵/۲۵/۵۸/۹). با آغاز سال ۱۳۲۵ش زمانی که ماهیت حزب و وابستگی آن به شوروی برای طرفدارانش آشکار شد موجی از استعفا در تشکیلات کارگری شروع شد، در بین استعفا کنندگان نام چند زن از تشکیلات زنان وابسته به حزب مشاهده می‌شود «این‌جانبان برکناری خود را از تشکیلات زنان وابسته به حزب توده ایران و اتحادیه کارگران اعلام و به اطلاع عموم می‌رسانیم: رخساره جوان، صدف غمخوار، سوره قربانی، رقیه قربانی» (ندای خراسان، ش ۲۹(۱۳۲۵):۳).

کارخانه نخریسی علاوه بر سالن‌های ماشین‌آلات و انبارهای محصول، بخش‌های دیگری داشت که با تولید سروکار نداشت، بلکه به کارگران مربوط می‌شد، این بخش‌ها شامل نانوایی، باشگاه ورزشی، درمانگاه، شیرخوارگاه بود. در اواخر دهۀ ۴۰ به دنبال انقلاب سفید شاه و مردم تئوری رفاه کارگران به‌عنوان نیروی کار و سرمایه اصلی کارخانه جدا از ماشین‌آلات کارخانه، توسط کارفرمایان کارخانه مطرح شد. برای بهبود شرایط کاری زنان در کارخانه نخریسی، ابتدا شیرخوارگاه و بعد کودکستانی بنام کودکستان پیرنیا به مساحت ۵۰۰ متر در کارخانه افتتاح شد، در گزارشی آمده «ساعت ۹ بامداد امروز کودکستان پیرنیا واقع در کارخانه نخریسی افتتاح گردید. این کودکستان به‌منظور راحتی و استفاده فرزندان کارگران ساخته شد که به‌منظور استفاده فرزندان کارگران ساخته شده که به هنگام کار از جانب کودکان آسوده‌خاطر باشند. برای کودکان پزشک مخصوص

۱. نخ‌های دوک شده را در درون قالب‌هایی که به‌صورت پنیر بود قرار می‌دادند.

استخدام شده که هرروز از کودکان معاینه می‌کند و همچنین هرروز غذای گرم و مقوی به آن‌ها داده می‌شود» (ساکماق: ۱۶۰۶۸۴/۷). تأسیس نانوایی در کارخانه و تهیه نان مرغوب، ایجاد دامداری برای تأمین گوشت مصرفی کارگران به‌قرار کیلویی ۴۰ ریال (ساکماق: ۱۱۵۶۵۶/۴)، توزیع روزانه شیر جوشیده در شیشه‌های مخصوص، تشکیل شرکت تعاونی مصرف کارگران که از هر حیث مهم بود و کلیه کارگران اعم از زن و مرد هر یک دارای سهم از سهام شرکت تعاونی بودند و می‌توانستند مایحتاج خود را از لحاظ خواروبار و غیره از این شرکت باقیمت نازل‌تری نسبت بازار تهیه و وجوه آن را با اقساط ماهیانه پرداخت نمایند، ساختن ۱۵ دستگاه حمام، بیمه‌های اجتماعی ازجمله امکاناتی بود که توسط کارفرمایان در جهت رفاه و تسهیل امور کارگران در نظر گرفته شد. همچنین برای پیشرفت کارخانه و پیشبرد امور کارگر بنا بر اصل چهارم انقلاب شاه و مردم «سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها» به‌عنوان یک اهرم برای رفاه کارگران توسط کارفرمایان در کارخانه نخریسی اجرا شد. مصاحبه‌های انجام شده توسط محسن باقر زاده با عده‌ای از کارگران کارخانه نخریسی حاکی از استقبال کارگران از طرح تقسیم ۲۰ درصد سود سهام کارخانه بین کارگران بود تصویر (۴).

بنا بر اسناد موجود گزارشی توسط دبیر سندیکا و نماینده کارگران از چگونگی سهیم شدن کارگران در سود کارخانه در سال ۱۳۵۰ش آمده است. جدول (٦).


۲۰ درصد سهام کارخانه‌ها برای کارگران

تصویر ۴: مصاحبه محسن باقرزاده با کارگران کارخانه نخریسی (تهران مصور، ش ۹۸۱(۱۳۴۱): ۵)

جدول ٦: سهم دریافتی کارگران در سال ۱۳۵۰ش (ساکماق: ۱۶۰۹۱۴/۱)

کارگرانی که سابقه کارشان از سه ماه تا یک سال است	یک سهم
کارگرانی که سابقه کارشان یک سال تا ۵ سال است	دو سهم
کارگرانی که سابقه کارشان ۵ سال تا ده سال است	سه سهم
کارگرانی که سابقه کارشان ۱۰ سال تا ۱۵ سال است	چهار سهم
کارگرانی که سابقه کارشان ۱۵ سال تا ۲۰ سال است	پنج سهم
کارگرانی که سابقه کارشان ۲۰ سال به بالا است	شش سهم
ارزش هر سهم	۸۰ ریال

توجه به امر ورزش در میان کارگران در کارخانه منجر به تأسیس باشگاه ورزشی در کارخانه شد و ورزشکاران مطرحی در رشته‌هایی چون کشتی، ژیمناستیک، دوچرخه‌سواری در این باشگاه فعالیت داشتند. ازجمله منصور روشن‌دل قهرمان دوچرخه‌سواری و احمد طاهری قهرمان کشتی که این دو تحت تأثیر تبلیغات حزب توده به شوروی مهاجرت کردند (باروحی: ۱۳۸۹/۰۲/۱۸).

برپایی کارخانه نخریسی در مشهد محلی برای انباشت سرمایه و نیز توزیع آن ایجاد گردید به‌خصوص در مقطع بحران اقتصادی- اجتماعی پس از شهریور ۱۳۲۰ش و اشغال

مشهد توسط ارتش سرخ علاوه بر کمک‌های مستقیم به نیازمندان، جمع‌آوری اعانه از سایر افراد خیر و کمک به انجمن حمایت از زندانیان جهت آزادی زندانیان، ساخت و تعمیر عمارات عمومی نیز جزوی از امور خیریه کارخانه بود (ساکماق: ۱۵۹۶۵۰/۵). در گزارشی آمده است: «از روز پنجم تا نهم آبان روزانه سیصد تن از افراد کم‌بضاعت در کارخانه نخریسی مشهد حضور یافته و با صرف نهار از آن‌ها پذیرایی شود» (ساکماق: ۱۶۰۶۸۴/۳). علاوه بر این کمک‌های مالی به بنگاه‌های خیریه مشهد و اختصاص مبلغی از محل درآمد شرکت و واریز آن به‌حساب بنگاه تعاون بینوایان مشهد جزو هزینه‌های کارخانه محسوب می‌شد: «بنا به تصویب هیئت‌مدیره این شرکت از اول دی‌ماه تا مادامی‌که آن مؤسسه بینوایان را جمع‌آوری می‌نماید ماهیانه مبلغ پنج هزار ریال از طرف شرکت پرداخت خواهد شد» (ساکماق: ۱۵۰۲۴۷/۵).

علاوه بر اینکه کارخانه خود در دل شهر و بخشی از معماری و اجزای شهر محسوب می‌شد، کارگران آن نیز بعد از فراغت از کار روزانه و حضور در خیابان ارگ و تبدیل آن به پایگاهی برای تفریح، سرگرمی، قدم زدن تا فلکه سوم اسفند (دیانی: ۹۶/۰۷/۰۴). برای آن‌ها اهمیت فراوانی پیدا کرد. کارخانه نخریسی در حوزه شهرسازی و فضای شهری مشهد اثرات مهمی را بر جای نهاد. تأسیس کارخانه از همان ابتدا یکی از منابع درآمدی مهم شهرداری مشهد بود، به‌طوری‌که بودجه شهرداری مشهد از هشتاد و شش میلیون ریال به یک صد و بیست میلیون ریال در سال ۱۳۳۸ش افزایش یافت (سالنامه و راهنمای مشهد، ۱۳۳۸: ۹۹). کارخانه با دادن عوارض به شهرداری کمک کرد تا بتواند طرح‌ها و پروژه‌های خود را در مشهد پیش ببرد (ساکماق: ۱۵-۱۲/۱۳۸۲۷۵). از یک‌سو تأسیس کارخانه علاوه بر این‌که مشهد پذیرای جمعیتی زیاد به‌عنوان کارگر که در رشد جمعیت نقش مهمی داشت، زمینه رشد فیزیکی شهر مشهد را نیز فراهم کرد. تأسیس کارخانه در زمین‌های بایر قلعه گل خطمی، زمینه‌ساز تولد و تکوین حیات شهری در این نقطه شد محتوای اسناد نشان می‌دهد که از سوی کارفرمایان به‌منظور رفاه کارگران با ساختن خانه یا واگذاری زمین در چهار مرحله به آن‌ها گام‌هایی برداشته شد در گزارش‌هایی به تولیت و استاندار خراسان آمده است: «حدود چهل هکتار از اراضی گل خطمی، جنب کشتارگاه مشهد برای واگذاری به کارگران شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی تخصیص و این زمین به قطعات ۲۵۰ متری تقسیم و به اجاره حدود ششصد نفر از کارگران مزبور واگذار گردید» (ساکماق: ۱۵۹۳۴۴/۱۰۲). اما مهم‌ترین اقدام کارخانه در جهت رفاه و آسایش کارگران واگذاری قطعه زمینی به مساحت ۳۷۸۷۲۹ متر مربع از اراضی گل خطمی جهت انجام برنامه عمرانی و ساخت منازل ۳، ۴ و ۵ اتاقی که دارای امکانات برق، حمام، آسفالت که از نظر استحکام مطابق با اصول فنی ساخته شد و در واقع شهر جدیدی با اسلوب جدید در کنار بلوار جاده سرخس ساخته شد که باعث شد کارخانه نخریسی الگویی برای تمام مؤسسات کارگری کشور قلمداد شد (ساکماق: ۱۶۰۸۷۲/۳). به نظر می‌رسد کارخانه با واگذاری مزارع گل-خطمی، طرق، محمدآباد، گود سلوک و اراضی الندشت تا بلوار فرودگاه به کارگران، علاوه بر شکل‌گیری خیابان و محله نخریسی، شهرک انقلاب و سکونت عده زیادی کارگر در این محلات و کوی کارگران، با ایجاد منطقه آموزشی طبق نقشه مصوبه طرح جامع شهر در سال ۱۳۵۱ش در این زمین‌ها، موجب عمران و آبادی و توسعه شهر مشهد و تمایل به گسترش شهر به سمت جنوب گردید. این محلات نیز با پذیرایی جمعیتی از کارگران، به‌عنوان یک الگوی جدید در حیات شهری مشهد مطرح شدند.

نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه مطرح شده مبنی بر آن که شهر مشهد شرایط اقتصادی و اجتماعی لازم برای رشد و صنعتی شدن نساجی را دارا بود، پایه‌گذاری «کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان» در راستای سیاست‌های کلی حکومت پهلوی در زمینه نساجی شکل گرفت و آثار زیادی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی حیات شهری مشهد به دنبال داشت. تفریحات و ورزش کارگران، بیمه‌های اجتماعی، جنبش کارگری، تشکیل کلاس‌های آموزش کارگری ازجمله آثار اجتماعی تأسیس کارخانه نخریسی و نساجی خسروی به‌حساب می‌آید. همچنین ایجاد کارخانه نخریسی ضمن آن که به ظرفیت‌های اقتصادی مشهد و سرمایه‌گذاری‌های مربوط، با جذب هزار کارگر علاوه بر آن که

در زمینه اشتغال کمک شایانی کرد بر ایجاد قشری به نام «کارگر صنعتی و حرفه‌ای» تأثیر زیادی داشت. گردش مالی قابل‌توجهی به وجود آورد که بخشی از آن به مردم شهر ازجمله گروه هزار نفری کارگران و خانواده‌های آن‌ها و افراد غیر کارگر می‌رسید. تأسیس کارخانه علاوه بر تأثیر و تغییر بافت جمعیتی، شکل‌گیری محلات کارگری، افزایش ساخت و سازهای متعدد و تغییر در هویت روستایی و پیدایی حیات شهری مشهد را باعث شد. به‌گونه‌ای که برخی از نقاط مشهد ازجمله روستاهای گل خطمی، محمدآباد، طرق و الندشت تغییرات زیادی را پذیرا شدند. از آن زمان کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان که روزگاری نیمی از مردم شهر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از فروشگاه‌ها تا دلالان و فروشندگان خرد و کلان و زارعین پنبه که با آن در ارتباط بودند به‌عنوان نمادی از گذر زمان برای مردم مشهد، جزئی از تاریخ معاصر و یکی از نماد هویتی شهر مشهد مطرح شد که با چند دهه فعالیت صنعتی که از نظر اقتصادی، اجتماعی شهر را تحت تأثیر خویش قرار داده بود. اینک از آن همه هیاهو و فعالیت‌ها که به نام «کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان» که موجب تحولات اجتماعی-اقتصادی شد فقط ساختمانی به نام «کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان» و بخشی از شهر مشهد که هنوز با نام کارخانه نخریسی شناخته می‌شود چیزی باقی نمانده است.

فهرست منابع

۱. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). ***ایران بین دو انقلاب***. تهران: نی.

۲. پیرا، فاطمه. (۱۳۷۹). ***روابط سیاسی – اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی***. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۳. خوانیکی، محمدعلی. (۱۳۴۲). «شرکت سهامی نخریسی و نساجی و برق خسروی خراسان». (***پایان نامه کارشناسی***). مشهد: دانشگاه فردوسی.

۴. دالمانی، هانری‌رنه. (۱۳۳۵). ***سفرنامه از خراسان تا بختیاری***. ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: بی‌نا.

۵. راهنما، محمدرحیم. (۱۳۹۰). ***شناسایی و وجه‌تسمیه معابر، محلات و املاک عمومی بافت قدیم مشهد***. مشهد: سخن‌گستر.

٦. صادقیان، مهدی. (۱۳۵۱). «صنایع نساجی و نخریسی مشهد». (***پایان نامه کارشناسی***). مشهد، دانشگاه فردوسی.

۷. فلور، ویلم. (۱۳۷۱). ***جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران***. ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

۸. میرزای قاجار، زین‌الدین. (۱۳۸۹). ***نفوس ارض اقدس یا مردم قدیم مشهد***. مصحح مهدی سیدی، مشهد: مهبان.

اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت خارجه. (استادوخ)

۹. پوشه ۲۴، کارتن ۴۴. «مکاتبات کارخانه نخریسی و نساجی خسروی با وزارت خارجه در مورد استخدام یک مدیر فنی برای کارخانه». ۱۳۲۹ ش. ۴ برگ.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. (ساکما)

۱۰. ۲۴۰/۰۸۴۵۷۱. «دستور مبنی استعمال پارچه‌های ایرانی توسط مستخدمین و دانش آموزان». ۱۳۰۸ ش. ۲ برگ.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و اسناد آستان قدس رضوی. (ساکماق)

۱۱. ۵۲۵۸۱. «متن اعلامیه هیأت تحریه سرود صلح در خصوص محکومیت جنایات رژیم در حمله به کارگران کارخانه نخریسی».۱۳۳۱ش. تفکیک نشده.

۱۲. ٦۷۵۷۳. «گزارش اوضاع اقتصادی خراسان توسط آستان قدس به اداره کل تجارت». ۱۳۱۰ش. تفکیک نشده.

۱۳. ٦۹۷۰۲. «درخواست آستان قدس از کارخانه نخریسی خسروی مبنی بر تولید پارچه بلوچین جهت کشاورزان طبق دستور شاه مبنی بر متحدالشکل کردن لباس روستائیان». ۱۳۴۸ ش. تفکیک نشده.

۱۴. ۹۷۲۸۹. «ثبت شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان در دفتر ثبت اسناد و املاک کل مملکتی، صورت مؤسسین و صاحبان سهام و انتخاب هیئت مدیره، مذاکرات در خصوص راه‌اندازی کارخانه». ۱۳۱۲ ش. تفکیک نشده.

۱۵. ۷٦۸٦۲. «رونوشت مکاتبات وزارت دربار و اقتصاد در مورد توسعه کارخانه نخریسی».۱۳۴۹ ش. تفکیک نشده.

۱٦. ۱۰۸۰۲۱. «مکاتبات حزب رستاخیز ملت ایران در استان خراسان با آستان قدس در مورد اعضای حزب در آستان قدس، رسیدگی به ساخت خانه برای کارگران مزرعه

نمونه و مشکلات به وجود آمده در کارخانه نخریسی». ۱۳۵۸-۱۳۵۴ش. تفکیک نشده.

۱۷. ۱۱۴۷۴۸. «گزارشات و صورت جلسات هیئت مدیره و مجمع عمومی کارخانه نخریسی».۱۳۵۷-۱۳۵۵ش. تفکیک نشده.

۱۸. ۱۱۵۶۵۶. «موافقت آستان قدس با واگذاری اجاره پنج هکتار از اراضی مزرعه نمونه به کارخانه نخریسی به منطور نگهداری از دام‌های خود». ۱۳۴۸ش. تفکیک نشده.

۱۹. ۱۱۹۱۹۱. «صورت جلسه مجمع عمومی صاحبان سهام در سال ۱۳۲۷ و گزارشات هیئت مدیره و ترازنامه مالی ۱۳۲۶ شرکت نخریسی». ۱۳۲۷-۱۳۲۶ش. تفکیک نشده.

۲۰. ۱۱۹۱۹۲. «گزارش وضعیت مالی شرکت نخریسی به وزارت دربار ». ۱۳۲۸-۱۳۲۷ش. تفکیک نشده.

۲۱. ۱۳۷۵۰۸. «درخواست ثبت شرکت نخریسی در اداره ثبت اسناد و املاک». ۱۳۱۳ش. تفکیک نشده.

۲۲. ۱۳۷۵۰۹. «صورت اسامی حاضرین در جلسات مجمع عمومی کارخانه خسروی به همراه نمونه امضاء».۱۳۱۸-۱۳۱۳ش. تفکیک نشده.

۲۳. ۱۳۷۵۵۲.«نمونه امضاهای رئیس و هیئت مدیره کارخانه نخریسی و مؤسسات دیگر». ۱۳۱۷-۱۳۱۴ش. تفکیک نشده.

۲۴. ۱۳۷۵۷۷. « ارسال اطلاعات کارخانه نخریسی و نساجی خسروی شامل اساسنامه و تراز مالی کارخانه به سازمان‌های مختلف از جمله بانک ملی، شرکت سهامی مرکزی و اداره مالیه ولایتی». ۱۳۱۸-۱۳۱۴ش. تفکیک نشده.

۲۵. ۱۳۷۷۹۷. «نامه‌نگاری شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان با اداره فرهنگ خراسان در خصوص ثبت‌نام کارکنان بی‌سواد کارخانه در کلاس‌های سواد آموزی». ۱۳۲۳-۱۳۱۵ش. تفکیک نشده.

۲۶. ۱۳۸۲۰۹. «آگهی شرکت نخریسی خراسان در رابطه با اعزام بیست نفر از کارگران جهت آموزش به اصفهان». ۱۳۱۶ش. تفکیک نشده.

۲۷. ۱۳۸۲۷۵. «عملکرد مالی و فعالیت‌های عمرانی شهرداری مشهد».۱۳۱۷-۱۳۱۶ش. تفکیک نشده.

۲۸. ۱۳۸۳۶۰. «نامه نگاری‌های شرکت خسروی با پاکروان استاندار استان نهم پیرامون چگونگی ترخیص ماشین آلات از مرز و تأکید بر آموزش کارکنان بی‌سواد». ۱۳۱۶ش. تفکیک نشده.

۲۹. ۱۳۸۸۴۳. «نامه نگاری شرکت نخریسی و نساجی خسروی با پاکروان، استاندار استان نهم در خصوص امور جاری شرکت و ارائه گزارش از عملکرد آن شرکت». ۱۳۱۷ش. تفکیک نشده.

۳۰. ۱۳۹۱۴۲. «نامه نگاری‌های وزارت پیشه و هنر با کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان در ارتباط با مساعدت دولت جهت پیشرفت کارخانجات به انضمام پرسشنامه و اطلاعات کامل راجع به کارخانه نخریسی خسروی». ۱۳۱۸ش. تفکیک نشده.

۳۱. ۱۳۹۹۷۲. «قرارداد فروش نیروی برق توسط کارخانه به آستان قدس». ۱۳۳۵-۱۳۱۸ش. تفکیک نشده.

۳۲. ۱۴۰۵۵۱. «برگزاری کلاس آموزش فنی برای کارگران». ۱۳۱۹ش. تفکیک نشده.

۳۳. ۱۴۲۴۲۸. «نامه های شرکت نخریسی و سازمان امنیت اطلاعات کشور و استانداری خراسان در خصوص نظم و رضایت کارگران». ۱۳۳۳-۱۳۳۲ش. تفکیک نشده.

۳۴. ۱۴۴۷۳۵. «افتتاح فروشگاه‌های جزئی فروش پارچه‌های شرکت خسروی». ۱۳۲۱ش. تفکیک نشده.

۳۵. ۱۴۵۱۸۲. «شکایت کارکنان قسمت نساجی شرکت نخریسی و نساجی خسروی به کمیته ایالتی اتحادیه کارگران خراسان پیرامون کمی حقوق». ۱۳۲۲ش. تفکیک نشده.

۳۶. ۱۴۵۸۵۵. «تشکیل مجمع عمومی و فوق العاده اعضای شرکت خسروی در تیرماه به انضمام اساسنامه شرکت مزبور». ۱۳۲۳ش. تفکیک نشده.

۳۷. ۱۴۹۴۲۸. «نامه های محرمانه مربوط به کارگران منتسب به حزب منحله توده و اخراج برخی از عوامل محرک در کارخانه نخریسی خراسان». ۱۳۳۴-۱۳۲۹ش.تفکیک نشده.

۳۸. ۱۴۹۴۳۰. «نامه های شرکت نخریسی و سازمان اطلاعات و امنیت خراسان و شهربانی خراسان در مورد وضعیت کارگران و اختلال در امور کارهای جاری توسط کارگران و نحوه برگشت به کار و عدم استفاده از نیروی کار برخی افراد». ۱۳۳۵-۱۳۳۴ش. تفکیک نشده.

۳۹. ۱۵۰۸۳۵ «نامه نگاری بین اداره کار استان نهم و شرکت سهامی نخریسی خسروی پیرامون تعیین حداقل حقوق و دستمزد کارکنان». ۱۳۳۵-۱۳۲۸ش. تفکیک نشده.

۴۰. ۱۵۰۸۵۱. «نامه نگاری‌های اداره بازرگانی و پیشه و هنر استان نهم با کارخانه نخریسی و نساجی و برق خسروی در ارتباط با قیمت تمام شده نخ به انضمام پرسشنامه‌های مربوطه». ۱۳۲۵ش. تفکیک نشده.

۴۱. ۱۵۲۹۷۳. «نامه نگاری با وزارت اقتصاد و ارائه گزارش – پهلوی دوم». بی تا. تفکیک نشده.

۴۲. ۱۵۵۲۱۹. «نامه شرکت نخریسی و نساجی و برق خسروی به اداره استان نهم مبنی بر اعزام کارگران به آلمان غربی جهت آموزش فنی و امور ورزشی». ۱۳۳۵ش. تفکیک نشده.

۴۳. ۱۵۹۳۴۴. «نامه نگاری پیرامون واگذاری زمین جهت ساخت منازل مسکونی به کارکنان شرکت نخریسی و نساجی و برق خسروی واقع در کوی کارگران».۱۳۴۷ش. تفکیک نشده.

۴۴. ۱۵۹۶۴۷. « مجموعه نامه‌های مربوط به توسعه و تکمیل کارخانه نخریسی از سال ۴۸ تا ۵۵». ۱۳۵۵-۱۳۴۸ش. تفکیک نشده.

۴۵. ۱۵۹۶۵۰. «ارسال گزارش فعالیت‌های کارخانه نخریسی به پیرنیا نایب التولیه آستان قدس». ۱۳۴۸ش. تفکیک نشده.

۴۶. ۱٦۰٦۸۴. «افتتاح کودکستان پیرنیا جهت نگهداری اطفال کارگران کارخانه نخریسی و نساجی خسروی».۱۳۴۹ش. تفکیک نشده.

۴۷. ۱٦۰۸۷۲. «ارسال گزارش از مجموعه فعالیت‌های کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان به علم». ۱۳۴۹ش. تفکیک نشده.

۴۸. ۱٦۰۹۱۴. «سهیم نمودن کارگران شرکت نخریسی در سود سهام شرکت».۱۳۵۰-۱۳۴۹ش. تفکیک نشده.

۴۹. ۱٦۱۴۰۳. «گزارشی از طرح توسعه کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان». ۱۳۵۰ش. تفکیک نشده.

۵۰. ۱٦۳٦۰۱. «تاریخچه کارخانه نخریسی و نساجی خسروی خراسان». ۱۳۵۲ش. تفکیک نشده.

۵۱. ۱٦۴۱۱۵. «اعلام نواختن سوت قطارها، کشتی‌ها و کارخانجات و زنگ مدارس در ساعت دوازده و بیست و هفت دقیقه روز ۲۴ اسفند به مناسبت صدمین سالگرد رضاشاه پهلوی».۱۳۲٦ش. تفکیک نشده.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. (کِمام)

۵۲. ۲۵/۵۸//۲۵/۴۲/۱۰۹/۱۴. «تلگراف‌های کمیته ایالتی حزب توده، سازمان جوانان حزب توده، شورای اتحادیه کارگران خراسان، رخساره جوان از طرف تشکیلات زنان خراسان از مشهد به مجلس شورای ملی در شکایت از عملکرد کابینه ساعد».۱۳۲۲ ش. ۱۵ برگ.

۵۳. ۵/۱۲-۵/۱/۱۲/۱۱۹/۱۷. «نامه تلگراف ۱۳ نفر از کارگران اخراجی کارخانه نخریسی و نساجی و برق خسروی مشهد به هیئت مؤتلفه سندیکای مستقل کارگران تهران و مجلس شورای ملی در شکایت از حمله پلیس به کارخانه نخریسی».۱۳۳۱ ش.۲ برگ.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (مّراسان)

۵۴. ۹۸۱۸. «دستگیری کارگر کارخانه نخریسی به اتهام تظاهرات به نفع حزب توده».۱۳۳۲ش. ۱۵ برگ.

۵۵. ۹۸۳۹. «دستگیری و محاکمه هفت نفر از کارگران نخریسی ». ۱۳۳۲ش. ۱۰ برگ.

۵٦. ۱۰۵۱۱. «بیانیه شورای متحده اتحادیه کارگران به مناسبت روز اول ماه مه».۱۳۲٦ش. ۱۵ برگ.

مطالعات و مؤسسه پژوهش‌های سیاسی. (مپس)

۵۷. j۱ ۱۱۳۹۱۲. «پیدا کردن مقداری برکه‌های زیانبخش در منازل اعضای منحله خزب توده در مشهد». ۱۳۳۸ش. ٦ برگ.

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. (مُتما)

۵۸. شماره پ – ٦۷۱۸. «قانون البسه وطنی». ۱۳۰۱ش. ۳ برگ.

نشریات

۵۹. ***روزنامه آزادی.*** (۱۳۱۴/۰۵/۱۷). شماره ۹۸۳.

٦۰. ***روزنامه آفتاب شرق.*** (۱۳۱۴/۷/۲۷). شماره ۱۹.

٦۱. ***روزنامه آفتاب شرق.*** (۱۳۲٦/٦/۲۴). شماره ۱٦٦-۱٦۵.

٦۲. ***روزنامه اطلاعات.*** (۱۳۰۵/۰۹/۲۱). شماره ۱۰۱.

٦۳. ***روزنامه راستی.*** (۱۳۲۲/۰۸/۲٦). شماره ٦٦.

٦۴. ***روزنامه خراسان.*** (١٣٢٩/٠۴/١١). شماره ٢٩٩؛ (١٣٢٩/٠٦/١۵). شماره ٢٢٣٣؛ (١٣۴٨/١٠/۵). شماره ۵٩٣٦.
٦۵. ***روزنامه شهامت.*** (١٣١٦/١٢/١٢). شماره ٨٢.
٦٦. ***روزنامه ندای خراسان.*** (١٣٢۵/١٠/۵). شماره ٢٩.
٦٧. ***سالنامه و راهنمای مشهد.*** (١٣٣٨/٠۵/١٠).
٦٨. ***مجله اتاق تجارت.*** (١٣١٠/١٠/١۵). شماره ٣٠؛ (١٣١٣/٠٨/١۵). شماره ٩٨؛ (١٣١۵/٠٢/١۵). شماره ١٣۴.
٦٩. ***مجله تهران مصور.*** (١٣۴١/٠۴/١). شماره ٩٨١.
٧٠. ***فوق‌العاده راستی.*** (١٣٢٢/٠٢/ ١١). شماره ١٠٢.

مصاحبه‌ها

٧١. باروحی، محمدمهدی (١٣٨٩/٠١/٣١، ١٣٨٩/٠٢/١۴، ١٣٨٩/٠٢/١٨). بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و اسناد آستان قدس رضوی.
٧٢. تیزرو، سیما (١٣٨٩/٠۴/١٧). بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و اسناد آستان قدس رضوی.
٧٣. دیانی، محمدحسین (١٣٩٦/٠٧/٠۴). دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم تربیتی.
٧۴. شاملو، احمد (٩٦/١٠/١٩). مشهد شرکت آژند.
٧۵. عامل سلوکی، ابوالقاسم (١٣٩٠/٠٩/١٨). بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و اسناد آستان قدس رضوی.
٧٦. مشکینیان، حسین (١٣٨٩/٠٣/١٨). بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و اسناد آستان قدس رضوی.